

The Correction of Two Verses from Shahnameh Jalal Khaleqi Motlagh

Ali Soleimani*

Mohammad Foladi**

Abstract

Many lexicographers, commentators and correctors of Shahnameh have considered the words "Junagh" and "Junna" as one word and have used them instead of each other; However, paying attention to the contextual context, in-text cues, and a comprehensive look at the verses in which these two words appear, indicate that in Shahnameh these two words are not one word but are two words with two different meanings. Although the main purpose of this study is to correct verses from the scientific-critical correction of Jalal Khaleghi Motlagh, the authors, referring to other corrections of Shahnameh such as: Moscow, Jules Moll, ancient letter and Azizullah Jovini Shahnameh, tried to show and eliminate the errors in these corrections. Through this study, it was concluded that the words "Jenagh" and "Jana" have the ability to associate with the words "Leopard (Palang)" and "Choob e Khadang", respectively, and not paying attention to the different meanings of these two words, their companion capacity and avoiding relying on the Florence version, Khaleghi Motlagh did not follow the right path in correcting two verses in which these two words appear. In this research, in addition to correcting those two verses,

* PhD in Persian Language and Literature, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author),
dr_ali_soleimani@yahoo.com

** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Qom University, Qom, Iran,
dr.mfoladi@gmail.com

Date received: 2021-10-27, Date of acceptance: 2022-04-24



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the problems found in other corrections of Shahnameh were also pointed out. Also, in line with the discussion, a verse of Barzunameh of Shamsuddin Mohammad Kosaj was corrected.

Keywords: Junagh, Juna, Correction, Verses, Shahnameh Ferdowsi, Khaleqi Motlagh, Borzunameh.



تصحیح دو بیت از شاهنامه جلال خالقی مطلق

علی سلیمانی*

محمد فولادی**

چکیده

بسی از فرهنگ‌نویسان، شارحان و مصححان شاهنامه واژه‌های «جُناغ» و «جُنا» را یک واژه تلقی کرده و از آنها به جای یکدیگر استفاده کرده‌اند. حال آنکه توجه بر بافت موقعیتی، نشانه‌های درون‌متنی و نگاهی جامع بر ابیاتی که این دو واژه در آن آمده، مشخص می‌سازد که در شاهنامه فردوسی این دو واژه، یک واژه نیستند بلکه دو واژه مختلف با دو معنای متفاوتند. هدف اصلی این پژوهش اگرچه تصحیح ابیاتی از تصحیح علمی-انتقادی شاهنامه جلال خالقی مطلق است، اما نویسندگان با اشاره به دیگر تصحیح‌های شاهنامه درصددند تا اغلاط راه یافته به این تصحیح‌ها را نیز نمایان و رفع سازند. از رهرو این پژوهش این نتیجه حاصل شد که واژه «جناغ» و «جنا» به ترتیب قابلیت هم‌نشینی با واژه‌های «پلنگ» و «خدنگ» را دارند و عدم دقت بر معنای متفاوت این دو واژه، ظرفیت هم‌نشینی آنها و نیز پرهیز از تکیه کردن بر نسخه فلورانس، باعث شده که خالقی مطلق در تصحیح دو بیت از ابیاتی که این دو واژه در آن آمده، به طریق صواب نرود که در این پژوهش علاوه بر تصحیح آن دو بیت، به مشکلات راه یافته در دیگر تصحیح‌های شاهنامه نیز اشاره شد. همچنین به فراخور بحث، بی‌تی از برزنامه شمس‌الدین محمد کوسج نیز تصحیح شد.

کلیدواژه‌ها: جُناغ، جُنا، تصحیح ابیات، شاهنامه فردوسی، خالقی مطلق، برزنامه

* دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، dr_ali_soleimani@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران، dr.mfoladi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

از آنجاکه بسیاری از شاهنامه پژوهان واژه «جنا» را ریخت کوتاه شده واژه «جناغ» می‌دانند، همان معنایی را که برای واژه «جناغ» ذکر می‌کنند، به واژه «جنا» نیز نسبت می‌دهند. همین یکسان پنداشتن معنای دو واژه «جنا» و «جناغ» باعث شده که مصححان شاهنامه، گاه این دو واژه را با واژه «خندنگ» و گاه با واژه «پلنگ» ترکیب کنند و در متن اصلی وارد نمایند. حال آنکه ثابت شده است که «جنا» ریخت کوتاه شده واژه «جناغ» نیست و «جناغ» و «جنا» دو واژه با دو معنای متفاوت در شاهنامه هستند؛ «جناغ» در اصل، پوششی زر بافت و نرم است که به هنگام استراحت و خالی از سوار بودن اسب، آن را بر روی پیکره اسب می‌گشودند. این پوشش زر بافت با داشتن جنبه تشریفاتی، تنها به افراد و صاحبان مقام و شکوه لشکری و کشوری اختصاص داشته و افراد عام از داشتن این روپوش بی‌بهره بوده‌اند. «جنا» نیز در شاهنامه به معنای قوس کمانی شکل پیش زین است که از چوب خندنگ ساخته می‌شده و تنها بزرگان و نامداران از زین جنای خندنگ‌دار استفاده می‌کرده‌اند (ر.ک: سلیمانی و فولادی، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۱). با آشکار شدن تفاوت معنایی این دو واژه، قطعاً در ترکیب و همنشینی آنها نیز محدودیت‌هایی پیش خواهد آمد و این دو واژه از نظر معنایی نمی‌توانند هر واژه‌ای را در کنار خود پذیرا باشند. مصححان شاهنامه به دلیل یکسان پنداشتن دو واژه «جناغ» و «جنا» و بدون توجه بر تفاوت معنایی و قدرت همنشینی آنها، در تصحیح‌های خود از شاهنامه، این دو واژه را به جای یکدیگر استفاده کرده‌اند و آنها را با کلماتی هم‌نشین ساخته‌اند که تفاوت معنایی و محدودیت همنشینی مانع از آن است که این واژگان با هر کلمه‌ای ترکیب و هم‌نشین شوند. نگارندگان در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام خواهد شد، قصد دارند تا با در نظر داشتن معنای متفاوت این دو واژه، دقت بر قدرت و ظرفیت ترکیب و همنشینی این دو واژه و توجه بر ضبط اقدم نسخ شاهنامه یعنی دست‌نویس فلورانس که جلال خالقی مطلق در تصحیح ابیاتی آن را اساس کار خود قرار نداده و کنار گذاشته است، به تمامی ابیاتی که واژه «جناغ» و «جنا» در آن آمده نگاهی اندازند و در ابتدا درستی یا نادرستی تصحیح شاهنامه خالقی مطلق و سپس نیم نگاهی بر دیگر تصحیح‌های شاهنامه داشته باشند. به عبارت دیگر، از آنجا که تصحیح علمی - انتقادی جلال خالقی مطلق امروزه متأخرترین تصحیح شاهنامه و مورد قبول اکثر ادیبان و شاهنامه پژوهان است، نویسندگان این نسخه را اساس نقد و بررسی این پژوهش

قرار داده‌اند اما برای نشان دادن اختلافات موجود در باب این موضوع، اشاره‌ای نیز به ضبط دیگر تصحیح‌های شاهنامه همچون مسکو، ژول مول، نامه باستان کزازی و شاهنامه عزیزالله جوینی می‌شود تا با تصحیح ابیاتی از شاهنامه خالقی مطلق، دیگر تصحیح‌ها نیز نقد و بررسی گردند و اغلاط تصحیح‌های شاهنامه رفع گردند. همچنین در این مقاله به فراخور و ارتباط با بحث، به تصحیح بی‌تی از برزنامه شمس‌الدین محمد کوسج نیز خواهیم پرداخت که خود نشانی از درستی معنای یافته شده پژوهشگران برای دو واژه جناغ و جنا و نیز محدودیت هم‌نشینی این دو واژه با دیگر واژگان است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

طبق جستجوی نگارندگان، در لغت‌نامه‌های زبان فارسی، فرهنگ‌های تخصصی و شروح شاهنامه، توضیحاتی مختصر درباره معنای واژه‌های جناغ و جنا آمده است. همچنین در مقاله «نگاهی معنایی بر دو واژه جناغ و جُنا در شاهنامه» که تا به امروز مفصل‌ترین پژوهش درباره این دو واژه است، علی سلیمانی و محمد فولادی بر اساس بافت موقعیتی، نشانه‌های درون‌متنی و نگاهی جامع بر ابیات شاهنامه نشان داده‌اند که برخلاف نظر رایج، این دو واژه، یک واژه نیستند و دو معنای متفاوت دارند. در مقاله یاد شده هیچ اشاره‌ای به تصحیح این دو واژه در ابیات شاهنامه نشده است. لذا تاکنون پژوهشی با موضوع تصحیح ابیات شاهنامه که دو واژه جناغ و جنا در آن آمده باشد، انجام نشده و این مقاله در نوع خود بکر و جدید است و پیشینه‌ای ندارد.

۲. واژه جناغ و جُنا در شاهنامه

طبق جستجوی نگارندگان در شاهنامه خالقی مطلق، واژه «جُناغ» سه مرتبه و واژه «جُنا»، شش مرتبه تکرار شده است. در ذیل این ابیات شاهنامه را به ترتیب از تصحیح خالقی - مطلق، مسکو و ژول مول آورده و سپس آن را با نامه باستان میرجلال‌الدین کزازی و در نهایت با شاهنامه عزیزالله جوینی تطبیق می‌دهیم تا هم اشتراکات و افتراقات این چند تصحیح شاهنامه در ضبط این دو واژه نمایان گردد و هم بتوانیم به نقد و بررسی آنها بپردازیم. این ابیات عبارتند از:

۱. در گفتار اندر رفتن اسکندر به چین:

چو بر زد سر از کوه روشن چراغ ببردند بالای زرین جُنْغ^۱
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۶: ۱۰۶)

چو بر زد سر از کوه رخشان چراغ ببردند بالای زرین جُنْغ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۷: ۹۲)

چو بر زد سر از کوه، روشن چراغ ببردند بالای زرین جُنْغ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۴۳۷)

چو بر زد سر از کوه روشن چراغ ببردند بالای زرین جُنْغ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۷۷)

۲. در گفتار اندر لشکر کشیدن نوشین روان به جنگ خاقان چین:

چو بر زد سر از کوه رخشان چراغ زمین شد بکردار زرین جُنْغ^۲
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۷: ۲۴۶)

چو بر زد سر از کوه رخشان چراغ زمین شد بکردار زرین جُنْغ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۸: ۱۶۴)

چو بر زد سر از کوه رخشان چراغ زمین شد به کردار زرین جُنْغ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۸۲۹)

چو بر زد سر از کوه رخشان چراغ زمین شد به کردار زرین جُنْغ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۱۱۸)

۳. در گفتار اندر سبب خراب خسرو شهری را:

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از باره زرین جُنْغ
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۸: ۲۳۸)

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از باره زرین جُنْغ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۹: ۱۹۳)

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از اسپ، زرین جُنْغ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۱۵۹)

تصحیح دو بیت از شاهنامه ... (علی سلیمانی و محمد فولادی) ۲۰۳

همی تاخت چون کودکی گرد باغ فروهشته از باره زرین جُنغ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۴۳)

۴. در داستان سیاوخش:

ز دیبا و اسپان به زینِ پلنگ به زرین ستام و جُنای خدنگ^۳
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۱۷)

ز دیبا و اسپان به زینِ پلنگ به زرین ستام و جُنغ خدنگ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۱۴)

ز دینار و اسپان به زین خدنگ به زرین ستام و جُنغ پلنگ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۶۴)

ز دیبا و اسپان به زینِ پلنگ به زرین ستام و جُنای خدنگ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۸۰)

ز دینار و اسپان به زینِ پلنگ به زرین ستام و جُنای خدنگ
(جوینی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۴۶۰)

۵. در داستان سیاوخش:

نگه کرد بهزاد، کی را بدید یکی باد سرد از جگر برکشید
بدید آن نشست سیاوش پلنگ رکیب دراز و جُنای^۴ خدنگ

بدید آن نشست سیاوش پلنگ رکیب دراز و جُنغ خدنگ
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۲۷)

بدید آن نشست سیاوش پلنگ رکیب دراز و جُنغ خدنگ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۱۰)

بدید آن نشست سیاوش پلنگ رکیب دراز و جُنای خدنگ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵۳۴)

بدید آن نشست سیاوش پلنگ رکیب دراز و جُنای خدنگ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۳۸)

بدید آن نشست سیاوش پلنگ رکیب دراز و جُنای خدنگ
(جوینی، ۱۳۹۱، ج ۵: ۳۲۰)

۶. در داستان رستم و آکوان دیو:

ز زین کیانیش بگشاد تنگ
چراگاه رخس آمد و جای خواب
به بالین نهاد آن جنای^۵ خدنگ
نمد زین بیفگند بر پیش آب
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۳: ۲۹۲)

ز زین کیانیش بگشاد تنگ
به بالین نهاد آن جنای خدنگ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۰۴)

ز زین از بر رخس بگشاد تنگ
به بالین نهاد آن جنای پلنگ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۲: ۷۷۷)

ز زین کیانیش بگشاد تنگ
به بالین نهاد آن جنای خدنگ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۹۶)

ز زین کیانیش بگشاد تنگ
ببالین نهاد آن جنای خدنگ
(جوینی، ۱۳۹۱، ج ۶: ۶۶۸)

۷. در داستان بیژن و منیژه:

گرانمایه اسپان به زین خدنگ
نشانده گهر در جنای^۶ پلنگ
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۸۵)

گرانمایه اسپان و زین پلنگ
نشانده گهر در جنای خدنگ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۵: ۷۵)

گرانمایه اسپان به زین خدنگ
نشانده گهر در جنای پلنگ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۳۷)

گرانمایه اسپان و زین خدنگ
نشانده گهر در جنای پلنگ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۴۷)

گرانمایه اسپان و زین خدنگ
نشانده گهر در جنای پلنگ
(جوینی، ۱۳۹۱، ج ۷: ۳۹۸)

۸. در داستان کاموس کشانی:

به زرین ستام و جُنای^۷ پلنگ به زرین درای و جرس‌ها و زنگ
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۶۲)

بزرین رکیب و جُنای پلنگ بزرین و سیمین جرس‌ها و زنگ
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۷۴)

به زرین رکیب و جُنای پلنگ به سیمین درای و جرس‌ها و زنگ
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۸۴)

به زرین ستام و جُنای پلنگ به زرین و سیمین جرس‌ها و زنگ
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۱۵)

بزرین ستام و جُنای پلنگ به زین اندرون بُد جرس‌ها و زنگ
(جوینی، ۱۳۹۱، ج ۶: ۳۳۲)

۹. در داستان رزم یازده رخ:

همه آلتِ زین بروبر نگون رکیب و کمند و جُنای^۸ پُر ز خون
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۵۱)

همه آلتِ زین بروبر نگون رکیب و کمند و جُنای پُر ز خون
(مسکو، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۲۲)

همه آلتِ زین بروبر نگون رکیب و کمند و عنان پُر ز خون
(ژول مول، ۱۳۷۵، ج ۲: ۹۴۴)

همه آلتِ زین بروبر نگون رکیب و کمند و جُنای پُر ز خون
(کزازی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۵۱)

همه آلتِ زین بدو بر نگون رکیب و کمند و جُنای پُر ز خون
(جوینی، ۱۳۹۱، ج ۷: ۷۶۱)

۳. تصحیح دو بیت از شاهنامه

چنانچه از ابیات تصحیح خالقی مطلق پیداست (ابیات ۱، ۲ و ۳)، واژه «جُناغ» در هر کدام از جلدهای ششم، هفتم و هشتم، یک مرتبه و به صورت ترکیب «زَرینُ جُناغ» آمده است. جلدهای دوم، سوم و چهارم نیز به ترتیب دو، سه و یک بار واژه «جُنا» را در خود گنجانده‌اند. از این شش بیتی که واژه «جُنا» در آن به کار رفته، تنها بیت ۹ بدون اضافه شدن به واژه دیگر و در میان مصراع به صورت «جُنا» آمده و در الباقی ابیات، این واژه به صورت ترکیب اضافی است؛ یعنی در ابیات ۴، ۵ و ۶ به صورت «جُنايِ خدنگ»، و در ابیات ۷ و ۸ به صورت «جُنايِ پلنگ» آمده است.

در پاورقی تصحیح شاهنامه خالقی مطلق برای واژه «جُناغ» در مصراع دوم بیت ۳ یعنی «فروشته از باره زرین جُناغ»، نسخه بدلی نیامده و این صحیح بودن بیت و بدون تغییر باقی ماندن واژه، بسیار ارزشمند و نشانگر استفاده فردوسی از ترکیب «زَرین جُناغ» در شاهنامه است. در همین تصحیح ما در ذیل واژه «جُناغ» بیت ۱، نسخه بدل «کناغ» و در ذیل واژه «جُناغ» بیت ۲، نسخه بدل «چراغ» را می‌بینیم. خوشبختانه اندک بودن نسخه بدل در این دو بیت، بی‌تغییر و تحول ماندن مصراع دوم بیت ۳ و پذیرش ضبط «زَرین جُناغ» در دیگر تصحیح‌ها، باعث می‌شود تا بر اساس مشابهت فردوسی در آوردن ترکیب «زَرین جُناغ»، ناهمخوانی معنایی «کناغ» و «چراغ» با معنای بیت و نیز پدید آمدن عیب تکرار قافیه در صورت قرار گرفتن نسخه بدل «چراغ» در پایان هر دو مصراع بیت ۲، چنین بگوییم که صورت صحیح نوشتاری این واژه در این سه بیت، همین واژه «جُناغ» است و فردوسی در این سه بیت، از ترکیب «زَرین جُناغ» سود جسته است. با پذیرش قطعی بودن برتری این ضبط، شکی در تصحیح صحیح این سه بیت از سوی خالقی مطلق و حتی تصحیح‌های مسکو، ژول مول و کزازی که بیت را به یک شکل آورده‌اند، باقی نمی‌ماند. لذا این سه بیت (ابیات شماره ۱، ۲ و ۳) به درستی توسط مصححان تصحیح شده‌اند و چون مشکل تصحیحی ندارند، از دایره بررسی این پژوهش خارج می‌شوند.

همچنین از آنجا که واژه «جُنا» در بیت ۹ بدون اضافه شدن به واژه دیگری آمده و جز تصحیح ژول مول، در دیگر تصحیحات نیز واژه «جُنا» انتخاب شده و خالقی مطلق نیز با تکیه بر نسخه فلورانس همین واژه را برگزیده است، شکی در درستی واژه جُنايِ آمده در این بیت وجود ندارد. اگرچه ژول مول واژه «عنان» را بر «جُنا» ترجیح داده و آن را در متن

خود آورده، اما نباید از یاد برد که وی در انتخاب این واژه بر دستنویس کتابخانه ملی پاریس تکیه کرده که این دستنویس در فهرست نسخ مورد استفاده جلال خالقی مطلق جزو دستنویس‌های غیر اصلی است و با وجود نسخ معتبر دیگر، شایسته نیست این نسخه مورد استفاده و پذیرش قرار گیرد. به هر حال، با کنار نهادن ابیات ۱، ۲، ۳ و ۹، ابیات ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ باقی می‌مانند و در ادامه به بررسی و تحلیل این ابیات باقی‌مانده خواهیم پرداخت.

آن‌گونه که از تصحیح خالقی مطلق نمایان است، در پنج بیت باقی‌مانده، واژه «جُنا» به صورت ترکیب اضافی آمده است؛ یعنی در ابیات ۴، ۵ و ۶ به صورت «جُناي خدنگ» و در ابیات ۷ و ۸ به صورت «جُناي پلنگ». اکنون این پرسش مطرح است که آیا واژه «جُنا» از نظر معنایی این ظرفیت را دارد که هم با واژه «خدنگ» ترکیب شود و هم بتواند در کنار واژه «پلنگ» قرار گیرد و یا یکی پنداشتن واژه «جُنا» با واژه «جُناغ» سبب چنین همنشینی و تصحیح شده است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، معنای برآمده از واژه «جُناغ» و «جُنا» را هم با «خدنگ» و هم با «پلنگ» مورد بررسی قرار می‌دهیم تا پی ببریم که همنشینی معنایی کدام ترکیب، صحیح‌تر است.

معانی دو واژه «جُناغ» و «جُنا» نشان می‌دهد که فردوسی هر گاه از پوشش اسب سخنی به میان آورده، از «جُناغ» سود جسته است. طبیعی است که پوشش روی اسب، بایستی قابلیت انعطاف داشته باشد تا تمام پیکره اسب را بپوشاند. لذا ما می‌توانیم این نکته را بپذیریم که «جُناغ پلنگ» در معنای پوششی از جنس پوست پلنگ، ترکیبی صحیح است. در اشعار دیگر شاعران ادب فارسی نیز می‌توان این ارتباط پلنگ و جُناغ را ملاحظه کرد؛ چنانچه قطران تبریزی می‌گوید:

زانکه گه باشد از چرم پلنگ او را جُناغ ز همه ددها تکبر بیش تر دارد پلنگ

(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۱۹۸)

امیر معزی نیز در دیوان خود رابطه بین چرم پلنگ و جُناغ را چنین یادآوری کرده است:

پلنگ کبر کند ماه و سال بر دد و دام از آن قبل که جُناغت بود ز چرم پلنگ

(معزی، ۱۳۱۸: ۴۳۴)

در مقابل، از آنجا که خدنگ نام درختی است بسیار سخت که در گذشته از چوب آن بیشتر تیر و زین می‌ساختند و فردوسی نیز در شاهنامه از جنبه سختی و استحکام بدین

چوب نگریسته و از ترکیباتی چون «تیر خدنگ» (خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۵: ۳۸۶) و «زین خدنگ» (همان، ج ۳: ۳۳۷) استفاده کرده، نمی‌توان برای اسب پوششی از چوب خدنگ تصور کرد و بعید است که فردوسی واژه «خدنگ» را با «جُناغ» ترکیب کرده باشد. از این رو این سخن که «جُناغ خدنگ»، «پوششی از چوب خدنگ [است] که روی زین می‌کشیدند» (رواقی، ۱۳۹۰: ذیل مدخل) خالی از اشکال نیست؛ چرا که اولاً جُناغ به معنای پوشش پیکره اسب است نه زین؛ در ثانی پوششی از چوب خدنگ نداریم. به نظر می‌رسد علت این گونه برداشت علی‌رواقی، ایراد موجود در نسخه مورد استفاده ایشان و جُناغ را در معنای غاشیه زین دانستن است. با این مقدمات می‌توان دید که معنای حاصل از ترکیب «جُناغ پلنگ» صحیح است اما معنای برآمده از ترکیب «جُناغ خدنگ» نمی‌تواند قابل پذیرش باشد.

در مقاله «نگاهی معنایی بر دو واژه جُناغ و جُنا در شاهنامه» ثابت شده که «جُنا» همان لبه قوسی شکل قسمت جلویی زین است. با ترکیب واژه «جُنا» و «پلنگ» این معنا به دست می‌آید که این منحنی کمانی شکل پیش زین از جنس چرم پلنگ است. با همین تفکر است که خالقی مطلق در «یادداشت‌های شاهنامه» و در توضیح بیت ۴ می‌نویسد:

دست‌نویس‌ها در اینجا و جاهای دیگر خدنگ و پلنگ را هم برای زین گرفته‌اند و هم برای جُنا (جُناغ). محتمل است که خدنگ که نوعی چوب است، مربوط به زین، و پلنگ که پوست پلنگ است مربوط به جُنا (جُناغ) باشد که آنرا دامنه زین معنی کرده‌اند. در این صورت باید متن ما، به زین خدنگ و جُنا پلنگ درست گردد (خالقی مطلق، ۱۳۸۹، بخش یکم: ۶۵۹).

در ابتدا باید گفت که طبق معنای برآمده از جُنا، دامنه زین دانستن آن صحیح به نظر نمی‌رسد؛ در ثانی به چه علت باید این طاق و کمان پیش زین از جنس چرم پلنگ باشد؟ از طرفی با ترکیب «جُناغ خدنگ» بیت ۶ که هم واژه «جُنا» از روی اقدم نسخ شاهنامه یعنی نسخه فلورانس انتخاب شده و هم واژه «خدنگ» هیچ نسخه بدلی ندارد، چه می‌توان کرد؟ با در ذهن داشتن این پرسش‌ها، واژه «جُنا» را با «خدنگ» ترکیب می‌کنیم. با ترکیب این دو واژه به خوبی می‌توان دید که همنشینی «جُنا» با واژه «خدنگ» بسیار محتمل‌تر و قابل قبول‌تر از همنشینی آن با واژه «پلنگ» است. این جُنایی که از چوب خدنگ سخت ساخته شده، مانع تغییر شکل زین می‌شود و همچون قالبی شکل زین را حفظ می‌کند. در واقع گویا

هدف بودن این چوب خدنگ، بدون تغییر و تحول باقی ماندن فرم و شکل زین ساخته شده از چرم است. همچنین با توجه به بافت موقعیتی ابیاتی از شاهنامه که از این نوع زین سخن به میان آمده، می توان به ارزشمندی این نوع زین پی بُرد؛ چرا که تنها بزرگان لشکری و کشوری از این نوع زین پلنگِ جُنایِ خدنگ دار استفاده می کرده اند. نکته بسیار مهم دیگر این است که اگر ما نگاهی به نسخه بدل های ابیات جُنادر شاهنامه کنیم، خواهیم دید که خالقی مطلق در سه بیت ۴، ۵ و ۶ که «جُنایِ خدنگ» آمده، متن خود را بر اساس نسخه فلورانس انتخاب نموده است؛ یعنی «متن = ف»؛ اما در ابیات ۷ و ۸ اساس بودن نسخه فلورانس را کنار نهاده و متن را بر اساس دستنویس غیر اصلی خود یعنی دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن (با علامت اختصاری ل^۳) تصحیح کرده است و همین باعث شده تا سه بیت ۴، ۵ و ۶ به درستی تصحیح شوند اما در دو بیت ۷ و ۸ مشکل تصحیح همچنان وجود داشته باشد. به نظر می رسد یکی پنداشتن این واژه با «جُناغ» که تنها ظرفیت ترکیب با «پلنگ» را دارد، باعث چنین اشتباهی در تصحیح این دو بیت و به وجود آمدن ترکیب «جُنایِ پلنگ» شده است. ضمن اینکه مطلب بیان شده خالقی مطلق در «یادداشت های شاهنامه» در باب بیت ۴، نادرست است و درستی تصحیح برخی از ابیات را برهم می زند. لذا با این مقدمات می توان گفت که «جُنَا» تنها ظرفیت هم نشین شدن با «خدنگ» را دارد و «جُناغ» نیز فقط با «پلنگ» می تواند ترکیب شود و خالقی مطلق گرچه ابیات ۴، ۵ و ۶ را به درستی تصحیح کرده، اما در تصحیح دو بیت ذیل از شاهنامه به طریق صواب نرفته است:

گرانمایه اسپان به زینِ خدنگ نشانده گُهر در جُنایِ پلنگ

(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۸۵)

به زرین ستام و جُنایِ پلنگ به زرین درای و جرس ها و زنگ

(همان: ۱۶۲)

برای تصحیح دقیق «جُنایِ پلنگ» در این دو بیت، می توان دو شیوه در پیش گرفت. به علت ظرفیت هم نشینی واژه «جُنَا» با واژه «خدنگ»، یا باید واژه «پلنگ» را به واژه «خدنگ» تغییر داد و یا به علت اینکه واژه «پلنگ» قابلیت هم نشین شدن با واژه «جُناغ» را دارد، واژه «جُنَا» را به واژه «جُناغ» تبدیل کرد. به عبارت ساده تر، در این دو بیت یا باید «جُنایِ خدنگ» آورد و یا «جُناغِ پلنگ». منتهی نگارندگان در تصحیح این دو بیت، نه تنها معنای واژگان و

ظرفیت ترکیب آنها را مد نظر خواهند داشت، بلکه به ضبط موجود در اقدم نسخ شاهنامه یعنی نسخه فلورانس نیز تکیه خواهند کرد.

گفتیم که خالقی مطلق در تصحیح ایات ۷ و ۸ شاهنامه از نسخه فلورانس استفاده نکرده است. اگر ما نگاهی به دستنویس‌های ذکر شده برای واژه «پلنگ» بیت ۷ کنیم، خواهیم دید که واژه «پلنگ» بر اساس نسخه فلورانس و دیگر دست‌نویس‌ها انتخاب شده است؛ یعنی: «متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، پ، و، لن، ب)». از طرفی در مصراع نخست همین بیت و در ذیل واژه «خدنگ» نیز همین نسخه فلورانس ملاک قرار داده شده و متن بر اساس نسخه‌های «ف، س، ل، آ، س (نیز لن، پ، و، لن، ب)» آمده است. از آنجاکه دو واژه «خدنگ» و «پلنگ» بیت ۷ بر اساس نسخه اقدم فلورانس و دیگر دستنویس‌ها ضبط شده‌اند، شکی در صحیح بودن آنها نیست.

همچنین با نگاهی بر نسخه بدل‌های شاهنامه خالقی مطلق برای واژه «جُنای» بیت ۷ (ف: جُنای. ل (نیز ق): حنای. س: جُنای. ل، آ، س، (نیز لی): جُنای. (لن: حناق. و: جُنای. لن: جُنای. ب: جُنای). متن = ل، آ) می‌توان دید که در نسخه فلورانس، واژه «جُنای» به صورت «جُنای» ضبط شده است نه «جُنای» و شکی نیست که این ضبط ناشی از تصرف کاتبان و گذر زمان است و واژه «جُنای» صورت تحریف شده واژه «جُنای» است؛ چراکه اولاً واژه «جُنای» اسمی عربی است و طبیعتاً از میزان علاقه فردوسی برای استفاده از آن کاسته می‌گردد. در ثانی در شاهنامه فردوسی این واژه طبق جستجوی نگارندگان تنها ۴ بار و به صورت «جُنای سپاه» دیده می‌شود. در تمامی این موارد به قرینه «قلب، چپ، راست» می‌توان دریافت که مراد فردوسی بیان آرایش سپاه است: «بیاراست قلب و جُنای سپاه» (خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۸۹)، «چپ و راست و قلب و جُنای سپاه» (همان، ج ۱: ۱۴۱ / ج ۴: ۲۰۹ / ج ۸: ۱۳۱). ثالثاً نمی‌توان ربطی بین واژه «جُنای» و واژه‌های «خدنگ» و «پلنگ» یافت. از این رو ترکیب «جُنای خدنگ» و «جُنای پلنگ» که در بیت ۸ نسخه ژول مول و بیت ۷ نسخه جوینی دیده می‌شود، صحیح نیست. به دلیل همین ناهمگونی معنایی است که صاحب فرهنگ آندراج در توضیح ترکیب «جُنای زین» با تردید بدان نگریسته و بیان کرده: «ظاهراً تحریف است و صحیح جُنای زین است» (آندراج: ذیل مدخل جُنای زین). همچنین این سخن پرویز اتابکی که جُنای گونه‌ای از جُنای است نیز نمی‌تواند صحیح باشد (اتابکی، ۱۳۷۹: ذیل مدخل جُنای). پس با دریافت ضبط صحیح «پلنگ» و این نکته که «پلنگ» تنها

تصحیح دو بیت از شاهنامه ... (علی سلیمانی و محمد فولادی) ۲۱۱

می‌تواند با «جُناغ» ترکیب شود و اینکه خالقی مطلق در تصحیح واژه «جنای» بیت از نسخه فلورانس استفاده نکرده، بایستی بیت:

گرانمایه اسپان به زین خدنگ نشانده گهر در جُناغ پلنگ
را به صورت ذیل اصلاح نمود:

گرانمایه اسپان به زین خدنگ نشانده گهر در جُناغ پلنگ

در گرشاسپ‌نامه اسدی طوسی بیتی همانند این بیت فردوسی هم از نظر آوردن ترکیب «جُناغ پلنگ» و هم از نظر نشاندن گوهر و آراستن آن به چشم می‌خورد:

هزار و صد و سی جُناغ پلنگ زهر گوهر آراسته رنگ رنگ

(اسدی طوسی، ۱۳۸۶: ۳۶۴)

با تصحیح این بیت از خالقی مطلق، مشخص می‌شود که ژول مول و کزازی بیت ۷ را به درستی تصحیح کرده‌اند اما عزیزالله جوینی و مسکو به ترتیب با آوردن «جناح پلنگ» و «جناغ خدنگ» گویا به بیراهه رفته‌اند.

دیگر بیت نیازمند تصحیح، بیت ۸ است. در این بیت نیز می‌بینیم که خالقی مطلق واژه «پلنگ» را بر اساس بسیاری از دستنویس‌های اصلی خود تصحیح نموده و در پاورقی اشاره کرده که در نسخ غیر اصلی «ق^۲، ل^۳، آ»، واژه «خدنگ» آمده است. پس شکی در درستی واژه «پلنگ» نیست و با در نظر داشتن قابلیت ترکیب واژه «پلنگ» با واژه «جُناغ» نه «جنا» و اینکه خالقی مطلق بدون توجه به اقدم نسخ خود و با ملاک قرار دادن نسخه غیر اصلی «ل^۳» آن را برگزیده و در متن وارد کرده، این بیت را نیز باید به صورت «جُناغ پلنگ» تصحیح کرد؛ یعنی بیت:

به زرین ستام و جُناغ پلنگ به زرین درای و جرس‌ها و زنگ

بایستی به صورت ذیل آورده شود:

به زرین ستام و جُناغ پلنگ به زرین درای و جرس‌ها و زنگ

در تصحیح‌های مسکو، میر جلال‌الدین کزازی و عزیزالله جوینی نیز به درستی ترکیب «جناغ پلنگ» انتخاب شده و تنها در تصحیح ژول مول است که ترکیب نادرست «جُنَّاح پلنگ» برگزیده شده است.

در پایان به فراخور تمامی مطالبی که در این پژوهش بیان شد، به تصحیح بیتی از برزنامه شمس‌الدین محمد کوسج که دو واژه «جُنَّاح» و «جُنَّا» در آن آمده و محل اختلاف نیز هست، می‌پردازیم. اکبر نحوی در تصحیح خود، بیت ذیل را چنین آورده است:

ز زین و لگام و جُنَّاحِ خدنگ ر کباب مرصع، جُنَّاقِ پلنگ
(کوسج، ۱۳۸۷: ۲۳)

خوشبختانه چون در تصحیح برزنامه، برای واژگان «خدنگ» و «پلنگ» هیچ نسخه بدلی ذکر نشده و فقط در مصراع نخست برای واژه «جُنَّاح»، نسخه بدل «جُنَّای» آمده است، با توجه به مطالب گفته شده می‌توان دریافت که «جُنَّاحِ خدنگ» مصراع نخست، بایستی به صورت «جُنَّایِ خدنگ» تصحیح شود و آنچه مصحح محترم در پاورقی به عنوان نسخه بدل آورده، صحیح است. همچنین در مصراع دوم نیز واژه «جُنَّاق» دارای نسخه بدل «دراز و جُنَّاح» است. با توجه به نسخه بدل نداشتن واژه «پلنگ» مصراع دوم و دقت در ظرفیت همشینی و ترکیب شدن این واژه و اینکه کلمه «جُنَّاق» واژه‌ای ترکی است که به علت گذر زمان و شباهت لفظی با واژه فارسی «جُنَّاح» یکسان پنداشته شده است، مصراع دوم نیز بایستی تصحیح شود. پس به نظر می‌رسد بهتر است این بیت برزنامه نیز به صورت ذیل اصلاح شود:

ز زین و لگام و جُنَّایِ خدنگ ر کبابِ دراز و جُنَّایِ پلنگ

۴. نتیجه‌گیری

بررسی معنایی دو واژه جُنَّاح و جُنَّا نشان می‌دهد که برخلاف نظر رایج، واژه جُنَّا ریخت کوتاه شده واژه جُنَّاح نیست و این دو، دو واژه با دو معنای متفاوتند. یکسان پنداشتن جناغ و جنا، در کنار نسخه بدل‌های فراوان این دو واژه سبب اشتباه مصححان و تصحیح‌ایاتی از شاهنامه بدون در نظر داشتن معنای متفاوت این دو واژه و حتی ظرفیت همشینی آنها شده است. این مشکل در تصحیح جلال خالقی مطلق نیز دیده می‌شود. گرچه این اثر، تصحیح

علمی و انتقادی خوبی از ابیات جنا و جناغ‌دار شاهنامه فردوسی است، اما یکسان پنداشتن این دو واژه باعث شده تا مصحح نیز گاه آنها را با واژه «پلنگ» و گاه با «خدنگ» ترکیب کند؛ حال آنکه معنای متفاوت این واژگان و ظرفیت همنشینی و ترکیب این دو واژه نشان می‌دهد که واژه «جناغ» تنها می‌تواند با واژه «پلنگ» ترکیب شود و واژه «جنا» با واژه «خدنگ». با توجه بر این موارد و اینکه مصحح در تصحیح دو بیت از این ابیات از نسخه اساس و اقدم خود یعنی فلورانس پیروی نکرده و همین موجب تصحیح نادرست دو بیت از شاهنامه شده، در این پژوهش این دو بیت مورد نقد و بررسی قرار گرفت و «جناغ پلنگ» این دو بیت به «جناغ پلنگ» تغییر داده شد تا ضبط یکسانی در تمامی ابیات شاهنامه وجود داشته باشد. پس از تصحیح این دو بیت می‌توان گفت که واژه «جناغ» ۵ مرتبه در شاهنامه فردوسی استفاده شده که ۳ بار آن به صورت «زرین جناغ» و ۲ بار آن به صورت «جناغ پلنگ» آمده است. واژه «جنا» نیز که خود واژه‌ای دیگر با معنایی متفاوت است، ۴ مرتبه در شاهنامه فردوسی استفاده شده که ۱ بار آن به صورت مفرد و بدون اضافه شدن و ۳ بار آن به صورت «جناغ خدنگ» آمده است. دریافتن تفاوت معنایی دو واژه «جناغ» و «جنا»، علاوه بر اینکه منجر به تصحیح دو بیت از شاهنامه فردوسی شد و دیگر تصحیح‌های شاهنامه همچون: مسکو، ژول مول، نامه باستان و شاهنامه عزیزالله جوینی را در معرض نقد و بررسی قرار داد، مشکل تصحیحی بیتی از برزنامه شمس‌الدین محمد کوسج را نیز حل کرد که در این پژوهش بدان اشاره شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «ب: کناغ».
۲. «لی: چراغ».
۳. «ل، و: حنای خدنگ. لن، پ: جناح خدنگ. ل^۱: جناح خدنگ. ب: جناغ خدنگ. لن^۲: جناغ پلنگ. ق، ق^۱، لی، آ (نیز س^۱): چه زرین ستام و چه عناب رنگ. ق: حبات رنگ. لی، آ: زرین پلنگ. متن = ف (نیز ل^۳). س این بیت را ندارد».
۴. «ل: جناح. س: جناغ. لن، لی، پ، آ، (نیز لن^۲): جناح. ق: جناغ. ق^۱، و: حنای. ب: جناغ. متن = ف (نیز ل^۳، س^۱)».

۵. «ل: جناح. س (نیز پ): جناح. ق (نیز لن): جناح. ل^۱، س^۲، (نیز لن^۳): جناح. (لی، آ: کیانی - ب: جناح). متن = ف (نیز ق^۱، ل^۲)».
۶. «ف: جناح. ل (نیز ق^۱): حنای. س: جناح. ل^۱، س^۲، (نیز لی): جناح. (لن: حناق. و: جناح. لن^۲: حناق، ب: جناح). متن = ل^۳».
۷. «ف، ق (نیز لن^۱): جناح. ل: حناق. س: حناق. ل^۲ (نیز لن، پ، و، ب): جناح. س^۲ (نیز لی، آ): جناح. ق^۲: حنای. متن = ل^۳».
۸. «ل، ق، ل^۱ (نیز و، آ): حنا پُر زخون. س: جناقش بخون. ق^۱: جنایش بخون. لی: برش پر زخون. پ: عنان پر زخون. ب: جناغش بخون. لن: برو سینه‌اش پر زخون. لن^۲: کمندش همه پر زخون. متن = ف، س^۲ (نیز ل^۳ - ل^۴)».

کتاب‌نامه

- اسدی طوسی، ابونصر (۱۳۸۶). گرشاسب‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، تجدید چاپ به کوشش علی اصغر عبداللهی، چاپ ۱، تهران: دنیای کتاب.
- اتابکی، پرویز (۱۳۷۹). واژه‌نامه شاهنامه، چاپ ۱، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۹). یادداشت‌های شاهنامه، بخش یکم تا چهارم، چاپ ۱، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- رواقی، علی (۱۳۹۰). فرهنگ شاهنامه، چاپ ۱، تهران: چاپخانه فرهنگ معاصر.
- سلیمانی، علی و محمد فولادی (۱۳۹۷). «نگاهی معنایی بر دو واژه جَنَاح و جُنَا در شاهنامه». مجله متن پژوهی ادبی، سال ۲۲، شماره ۷۸، صص: ۱۲۴ - ۹۹.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۶). شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق و همکاران، ۸ جلد، چاپ ۱، نیویورک و کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.
- _____ (۱۳۷۵). شاهنامه فردوسی، بر اساس شاهنامه ژول مول، به کوشش پرویز اتابکی، ۴ جلد، چاپ ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۵). شاهنامه، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، ۴ جلد، چاپ ۳، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۹۱). شاهنامه، از دستنویس موزه فلورانس، به کوشش عزیزالله جوینی، ۷ جلد، چاپ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قطران تبریزی (۱۳۶۲). دیوان، به اهتمام محمد نخجوانی، چاپ ۱، تهران: ققنوس.
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۹۰). نامه باستان، ۹ جلد، چاپ ۲، تهران: سمت.

تصحیح دو بیت از شاهنامه ... (علی سلیمانی و محمد فولادی) ۲۱۵

کوسج، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷). برزو نامه (بخش کهن)، تصحیح اکبر نحوی، چاپ ۱، تهران: میراث مکتوب.

معزی، ابو عبدالله محمد (۱۳۱۸). دیوان، به اهتمام عباس اقبال، چاپ ۱، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
ویجی نگری، محمد (۱۳۳۵). آندراج، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.

